

Akhlāq-i zīstī

i.e., Bioethics Journal

2022; 12(37): e31

The Bioethics and Health
Law InstituteMedical Ethics and Law
Research CenterInternational Association
of Islamic Bioethics

Principles and Manifestations of Government Intervention in the Realm of Organized Moral Crimes

Jamal Beigi¹

1. Department of Criminal Law & Criminology, Maragheh Branch, Islamic Azad University, Maragheh, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Moral crimes are considered the most important example of social security, which is related to the ability to maintain moral patterns, culture, religion, national custom identity with acceptable conditions of change. Therefore, government intervention in the field of organized moral crimes has been considered in recent decades and criminalization in the field of personal moral corruption and moral crimes without victimization is doomed.

Methods: This research is theoretical, the research method is descriptive-analytical, and the collection of information was done in a library and by referring to documents.

Ethical Considerations: In all stages of writing the present study, while respecting the originality of the texts, honesty and trustworthiness have been observed.

Results: Findings indicate that the purpose of organized moral crimes is mainly to gain material power, illegitimate and immoral services and finally material objects. Considering the acceptance of government intervention in providing moral security related to group or organized corruption and delegating the provision of individual or personal moral security to the people and civil institutions; It is necessary to distinguish the manifestations of organized moral crimes from individual moral crimes.

Conclusion: Given that the values, norms and achievements of the age of modernity, which rely on empiricism, reason and science, do not meet human needs alone, therefore, one of the implications of moral security is that the intellectuals and elites of society accept that if the traditions, religious, cultural and national values of society play a role in preventing and moderating the deviations and excesses of science, knowledge and experience, and their duty is to try to preserve and strengthen them instead of confronting them. In a religious government, no executive, legislative or judicial authority can ignore or deny its responsibility to combat the manifestations of organized and group corruption.

Keywords: Social Security; Moral Security; Organized Crime; Moral Crime

Corresponding Author: Jamal Beigi; **Email:** Jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir

Received: March 20, 2022; **Accepted:** June 12, 2022; **Published Online:** December 24, 2022

Please cite this article as:

Beigi J. Principles and Manifestations of Government Intervention in the Realm of Organized Moral Crimes. *Akhlāq-i zīstī, i.e., Bioethics Journal*. 2022; 12(37): e31.



مبانی و جلوه‌های مداخله دولت در جرائم اخلاقی سازمان یافته

جمال بیگی^۱^۱. گروه آموزشی حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: جرائم اخلاقی مهم‌ترین مصداق امنیت اجتماعی تلقی می‌شود که به قابلیت حفظ الگوهای اخلاقی، فرهنگ، مذهب، هویت عرف ملی با شرایط قابل قبول از تحول مربوط است. از همین رو مداخله دولت در حوزه جرائم اخلاقی سازمان یافته، در دهه‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته و جرم‌انگاری در حوزه مفاسد اخلاقی شخصی و جرائم اخلاقی بدون بزه‌دیده، محکوم به فنا می‌باشد.

روش: این تحقیق از نوع نظری است، روش تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی می‌باشد و جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: یافته‌ها حاکی از این است که هدف جرائم اخلاقی سازمان یافته عمدتاً کسب قدرت مادی، خدمات نامشروع و غیر اخلاقی و در نهایت مادیات است. با امعان نظر به پذیرش مداخله دولت در تأمین امنیت اخلاقی مرتبط با مفاسد گروهی یا سازمان یافته و واگذاری تأمین امنیت اخلاقی فردی یا شخصی به خود مردم و نهادهای مدنی، تفکیک جلوه‌های جرائم اخلاقی سازمان یافته از جرائم اخلاقی فردی ضرورت دارد.

نتیجه‌گیری: با توجه به اینکه ارزش‌ها، هنجارها و دستاوردهای عصر تجدد و نوگرایی که تکیه و تأکید به تجربه‌گرایی، عقل و علم دارند، به تنهایی پاسخگوی نیازهای بشری نیستند، لذا یکی از استلزامات امنیت اخلاقی آن است که روشنفکران و نخبگان جامعه بپذیرند که اگر سنت‌ها، ارزش‌های دینی، فرهنگی و ملی جامعه نقش بازدارنده و تعدیل‌کننده انحرافات و زیاده‌روی‌های علم و دانش و تجربه را ایفا می‌کنند، وظیفه آن‌هاست که به جای ستیز، به حفظ و تقویت آن‌ها بکوشند. در یک حاکمیت دینی، هیچ مسئولی اعم از اجرائی، تقنینی و قضایی نمی‌تواند مسئولیت خود را در قبال مبارزه با مظاهر فساد سازمان یافته و گروهی نادیده گرفته یا انکار نماید.

واژگان کلیدی: امنیت اجتماعی؛ امنیت اخلاقی؛ جرائم سازمان یافته؛ جرائم اخلاقی

نویسنده مسئول: جمال بیگی؛ پست الکترونیک: Jamalbeigi@iau-maragheh.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۲؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۰/۰۳

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Beigi J. Principles and Manifestations of Government Intervention in the Realm of Organized Moral Crimes. *Akhlaq-i zisti, i.e., Bioethics Journal*. 2022; 12(37): e31.

مقدمه

امنیت یکی از مباحث مهم در فلسفه حاکمیت و ماهیت حقوق عمومی می‌باشد و یکی از خواسته‌های اساسی بشر است که تأمین آن از مهم‌ترین وظایف دولت‌هاست، از جمله ابعاد تأمین امنیت، پیشگیری و مقابله با اقدام‌های مخل نظم و آرامش عمومی است. ترس و اضطراب و احساس عدم امنیت که اقدام‌های مجرمانه در اذهان عمومی ایجاد می‌کند، مسأله‌ای نیست که درباره آن بتوان به مناقشه و اختلاف نظر پرداخت (۱). امنیت به عنوان حقوق اساسی بشر باید امنیت اخلاقی را دربر گیرد. به طور کلی، یک فرد زمانی از امنیت اخلاقی ذهنی برخوردار است که معتقد باشد که منافع و رفاه اساسی او توسط دیگران و نهادهای اجتماعی، سیاسی و قانونی در جامعه او به رسمیت شناخته می‌شود (۲). امنیت اخلاقی پایه‌ای حیاتی برای انسان‌ها است (۳)، همچنانکه پیوند قوی میان امنیت و اخلاق وجود دارد (۴). همانطور که امنیت به طور فزاینده‌ای جوامع معاصر را فرا می‌گیرد، اخلاقیات نیز با مطالعه دقیق و ارزیابی گسترده‌ای از مسائل در خطر، چارچوبی چالش‌برانگیز برای پرداختن به آن‌ها ارائه می‌دهد. «اخلاق امنیت» با در نظر گرفتن برخی از مهم‌ترین موضوعات در زندگی سیاسی معاصر جلوه یافته است (۵). شیوه‌های امنیتی فقط می‌توانند در ارتباط با نوع خاصی از ارزش‌ها انجام شوند (۶) که از جمله این ارزش‌ها که در قالب ناهنجاری به وجود می‌آید، جرائم اخلاقی هستند.

نخستین نظریه پردازان در زمینه صلح و امنیت به ترتیب هابس (Thomas Hobbes)، لاک (John Locke) و منتسکیو (Montesquieu) هستند که مفاهیم مذکور را در قرون ۱۶ و ۱۷ میلادی به دنبال فرضیه دولت ملی و اصل قرارداد اجتماعی مطرح کرده‌اند. هابس (Hobbes) معتقد است: «صلح و امنیت برای رهایی مردم از ترس دائمی از مرگ و ابتلائات فیزیکی و جسمی است...»، جان لاک (John Locke) معتقد است که: «مقصود از صلح و امنیت تنها آن نیست که زنده باشیم، بلکه منظور واجد بودن رفاه و آسایش و ایجاد تسهیلات مشخص می‌باشد که حق طبیعی ماست و وظیفه

مؤسسات دولتی است که آن‌ها را تحصیل و نگهداری کنند.» منتسکیو (Montesquieu) هم درباره صلح و امنیت عقیده دارد: «چون امنیت نتیجه صلح و صلح اولین قانون طبیعت است، لذا بزرگ‌ترین اصول در حکومت ایجاد امنیت است و مقصود از امنیت تنها حفظ حیات نیست، بلکه تأمین آزادی است» (۷).

مفهوم امنیت به تدریج و با توسعه تمدن بشری تحول یافته و از تأکید انحصاری به امنیت داخلی، بیشتر به امنیت مردم و از امنیت نظامی به امنیت در ادامه توسعه روابط انسانی تغییر جهت داده است، البته هر جا که گمان به تخلف از قانون در حوزه خصوصی افزایش یابد، حق حریم خصوصی نمی‌تواند نادیده گرفته شود. بنابراین احترام به حریم خصوصی افراد و حکم قانون باید در مقابل یکدیگر متعادل شوند، اگرچه در غالب موارد، دستیابی به این تعادل سخت است (۸)، لذا آزادی فردی، حقوق و منطقه آزاد فرد انسانی که به صرف انسانیت و عضویت در جامعه، داراست و دیگران، از جمله حکومت نمی‌تواند آن را تحدید یا سلب کند، مگر با اصول و قوانین پذیرفته شده (۹) تعبیر می‌شود.

امنیت به عنوان یکی از ضروری‌ترین نیازهای زندگی انسان انواع گوناگونی دارد. امنیت به طور کلی شامل دو حوزه امنیت فیزیکی، عینی یا بیرونی و امنیت روانی، ذهنی یا درونی می‌شود. امنیت روانی با وجود اهمیت مضاعفی که نسبت به امنیت بیرونی انسان دارد، کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. برای امنیت درونی انسان و محافظت از قلب و روح او، عموماً نه زنده‌های حفاظتی وجود دارد، نه قوانین شفاف و روشن و نه مأموران امنیتی مخصوص؛ البته می‌بایست بر این نکته نیز اشاره نمود که آنچه تحت عنوان امنیت روانی در مبانی اسلامی موضوعیت دارد، ارتباط تنگاتنگی با امنیت اخلاقی و امنیت فرهنگی داشته و از این جهت در این مفهوم، امنیت روانی، دامنه گسترده‌تری را در نسبت با آنچه که به نام امنیت روانی در علم روان‌شناسی غربی مورد بررسی قرار می‌گیرد، پوشش می‌دهد. برخورداری از امنیت در سطوح مختلف، از جمله حقوق اساسی مردم در عموم جوامع، به خصوص در جامعه اسلامی است و در این چارچوب امنیت اخلاقی گونه‌ای

از امنیت به شمار آمده و یکی از حقوق اولیه اشخاص در جوامع می‌باشد. بدین ترتیب دل‌نگرانی دولت‌ها برای تأمین امنیت شهروندان، محور مطالعاتی برخی جرم‌شناسان را متأثر کرده و آنان را به سمت مطالعات امنیت‌شناختی سوق داده است (۱۰). عبدالرحیمی، عترت‌دوست و برزگر (۱۳۹۸ ش.)، در مطالعه‌ای با عنوان «امنیت اخلاقی و نقش ناجا در ایجاد آن با تأکید بر بیانات مقام معظم رهبری» اشاره داشته‌اند که در تمامی جوامع بشری، وجود و احساس امنیت، از نیازهای اساسی مردم است. ایجاد امنیت در ابعاد مختلف آن، از وظایف مهم هر دولتی است. امنیت ابعاد مختلفی دارد که یکی از مهم‌ترین ابعاد آن «امنیت اخلاقی» است. جوامعی که از نظر ایجاد امنیت در بعد اخلاق، دچار ضعف و نقص باشند، آسیب‌های فراوانی را در تمامی بخش‌ها متحمل می‌شوند (۱۱).

از امنیت ملی است، به گونه‌ای که انواع دیگر امنیت باید در شرایط تزاخم به نفع آن کنار گذاشته شود. این امر دستاویزی شده تا نه تنها نخبگان امنیتی به سادگی مسائل مختلف را «امنیتی» کنند، بلکه در شرایط فوق‌العاده تنها امنیت ملی را مدنظر قرار دهند و چندان‌که باید انواع دیگر امنیت در تصمیمات امنیتی دخیل نباشد. توجه بیشتر به دیگر انواع امنیت - امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت اقتصادی، امنیت فرهنگی، امنیت سیاسی - با منطق امنیتی ممکن نیست، بلکه باید از منظر جدیدی به موضوع نگریست که همان «امنیت اخلاقی» است. امنیت اخلاقی زمینه مناسب‌تری برای ایجاد جامعه امن در سطح داخلی و بین‌المللی فراهم می‌سازد (۱۴).

مشهدی و محمدلو (۱۳۹۵ ش.) در مطالعه‌ای با عنوان «مطالعه تطبیقی مفهوم و معیار حق حریم خصوصی، رویکرد عرفی و فرهنگی» این نکته را بیان کرده‌اند که هیچ جامعه‌ای وجود ندارد که در آن حق حریم خصوصی به رسمیت شناخته نشده باشد و اگر در کشوری، این حق از نگاه قانونگذار آن کشور مخفی مانده، اما از نگاه عرف و مردم آن همیشه امری حائز اهمیت بوده است (۱۲).

یزدیان جعفری (۱۳۹۵ ش.) در بررسی خود با عنوان «تقابل امنیت فردی و ملی در جرائم علیه امنیت»، نشان داد که اصول مختلف حقوق کیفری اعم از ماهوی و شکلی، در جرائم امنیتی نقض شده است. یافته‌های این پژوهش حاکی از این است که قائلان به مشروعیت نقض این اصول، تقابل امنیت ملی با امنیت فردی را بر پایه مصلحت عمومی در مصداق امنیت عمومی مطرح می‌کنند، حال آنکه مخالفان این موضوع، استناد به مصلحت را با هر خوانش آن رد می‌کنند (۱۳).

یزدیان جعفری (۱۳۹۵ ش.) در بررسی خود با عنوان «تقابل امنیت فردی و ملی در جرائم علیه امنیت»، نشان داد که اصول مختلف حقوق کیفری اعم از ماهوی و شکلی، در جرائم امنیتی نقض شده است. یافته‌های این پژوهش حاکی از این است که قائلان به مشروعیت نقض این اصول، تقابل امنیت ملی با امنیت فردی را بر پایه مصلحت عمومی در مصداق امنیت عمومی مطرح می‌کنند، حال آنکه مخالفان این موضوع، استناد به مصلحت را با هر خوانش آن رد می‌کنند (۱۳).

غرایاق زندی (۱۳۹۱ ش.) در مطالعه‌ای با عنوان «نسبت اخلاق و امنیت: امکانی برای امنیت اخلاقی» بیان داشته است که آنچه در نسبت اخلاق و امنیت باید توجه کرد، این است که وجه غالب مطالعات امنیتی در عصر مدرن، معطوف به

در این میان، آقابابایی با انجام مطالعه جدیدی در سال ۱۳۹۶ با عنوان «حریم خصوصی در حقوق کیفری اسلام»، تلاش کرده به این شبهه پاسخی تحلیلی بدهد که نوع گفتمان حقوق اسلام در خصوص حریم خصوصی با حقوق غربی متفاوت است و تفاوت رویکرد یا زبان، نباید به بی‌توجهی به اهمیت خلوت و حریم خصوصی تعبیر شود. به همین منظور، راهبردهای حقوق کیفری اسلامی در حمایت از حریم خصوصی نیازمند بررسی است. این تحقیق با اشاره به

ماهیت مطالعه موضوعات آسیب‌پذیر و مورد انگ، می‌باشد، جرائم اخلاقی منحصر به فرد تحقیقات عدالت کیفری بررسی شده است (۲۰).

برخلاف تحقیقات انجام‌یافته، در پژوهش حاضر به فلسفه و چرایی لزوم مداخله دولت در حوزه جرائم اخلاقی پرداخته شده و با تکیه بر همین مبانی است که می‌توان به ممنوعیت یا محدودیت دخالت دولت در قبال جرائم اخلاقی فردی یا غیر سازمان‌یافته و استفاده از ظرفیت‌های نظام‌های کنترل اجتماعی غیر رسمی معتقد شد. بنابراین در حوزه مطالعات امنیت‌پژوهی نیز، ضرورت پرداختن به مباحث امنیت اخلاقی و جرائم اخلاقی فردی و سازمان‌یافته به این نکته اساسی بر می‌گردد که هر امری یا عملی یا رفتاری نیاز به انگیزه، علت یا مبنایی دارد. در این میان جرم‌انگاری جرائم اخلاقی نیز با لحاظ امنیت اخلاقی که ممکن است در سطوح فردی و جمعی با ارتکاب این جرائم در جامعه نقض و به طرق مختلفی مورد تعرض قرار گیرند، بایستی انجام پذیرد، لذا سؤال اصلی این مقاله این است که مداخله دولت در قلمرو جرائم اخلاقی سازمان‌یافته، بر کدام مبانی استوار است؟ و جلوه‌های مداخله دولت در جرائم اخلاقی سازمان‌یافته در حقوق ایران کدامند؟ به همین منظور، با نگاهی اجمالی بر مفهوم امنیت اخلاقی، متولیان امنیت اخلاقی و نحوه مداخله دولت اسلامی را در تأمین آن طی مباحث قسمت نخست بررسی نموده و در قسمت دوم پژوهش، با تفکیک مفاسد اخلاقی فردی و گروهی، مصادیق جرائم اخلاقی سازمان‌یافته و لزوم مداخله کیفری به منظور پیشگیری و مقابله با تضعیف دولت اسلامی در رویکرد مقنن ایران را در چارچوب عنوان این پژوهش مورد مطالعه قرار داده‌ایم و در نهایت بر پایه یافته‌ها و نتایج آن، راهکارها و پیشنهادهایی ارائه گردیده است.

روش

این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی به بررسی مبانی و جلوه‌های مداخله دولت در قلمرو جرائم اخلاقی سازمان‌یافته

سازوکارهای پیشگیری از مداخله‌های ناروای دولت اسلامی در حوزه حریم خصوصی و با اذعان به وجود چالش‌هایی در این زمینه، افق جدیدی را برای توسعه بحث درباره حریم خصوصی فراروی محققان گشوده است (۱۶).

همچنین Wright (۲۰۲۰ م.)، در کتابی با عنوان «اخلاق و جنایت واقعی» در خصوص جرائم اخلاقی بیان می‌کند که شیوع جرائم اخلاقی مبتنی بر مشکلات اخلاقی رایج با جرم واقعی همراه می‌گردد (۱۷).

Polizzi (۲۰۱۸ م.) در مقاله‌ای با عنوان «ناممکن بودن اخلاق عدالت کیفری: به سوی پدیدارشناسی ممکن» بیان می‌کند که صرف نظر از دیدگاه نظری خاص، تمام صورت‌بندی‌های اخلاقی برای اجرای عدالت کیفری به نحوی شخصیت هستی‌شناختی مجرم را می‌سازد که به نوبه خود، هم معرفت‌شناسی و هم روش را نشان می‌دهد. اینکه چگونه این فرآیند اخلاقی در نهایت مجرم را می‌سازد، احتمالاً به تعیین درجه ارزش اخلاقی که چنین فردی شایسته دریافت آن تلقی می‌شود کمک خواهد کرد؛ چه بر اساس شدت جرم و چه بر اساس پیکربندی خاص معماری حبس، امکان عمل اخلاقی مشروع تا حد زیادی به خطر می‌افتد. هنگامی که اهمیت اخلاقی فرد از نظر هستی‌شناختی در همان تعریف انسان بودن قرار می‌گیرد، بهتر می‌توان از چنین نتایجی اجتناب کرد (۱۸).

در مقاله‌ای نیز از Burke, Lee-Koo & McDonald (۲۰۱۶ م.) با عنوان «اخلاق در امنیت جهانی»، نویسندگان به این نکته اشاره داشته‌اند که یک مورد اخلاقی قانع‌کننده نیز برای مشاهده امنیت در شرایط جهانی وجود دارد؛ گفتمان‌های امنیت ملی و بین‌المللی با واقعیت‌های سیاست جهانی در تضاد هستند و به سمت حفظ وضعیت موجودی می‌روند که بسیاری از جمعیت جهان را در حال حاضر و آینده شکست می‌دهد (۱۹).

در مقاله دیگر از Jones (۲۰۱۲ م.) با عنوان «ملاحظات اخلاقی در تحقیقات عدالت کیفری: رضایت آگاهانه و رازداری» به طور خاص، مشکلات اخلاقی ذاتی رضایت آگاهانه و الزامات محرمانگی که مربوط به تحقیقات در زمینه عدالت کیفری و

رفتاری هم دو معنی از این واژه ارائه شده است: در معنی نخست، امنیت حالتی است که در آن، ارضای احتیاجات و خواسته‌های شخصی انجام می‌پذیرد؛ در معنی دوم، احساس ارزش شخصی، اطمینان خاطر، اعتماد به نفس و پذیرشی است که در نهایت از سوی طبقات اجتماعی نسبت به فرد اعمال می‌شود (۲۲). در «المفردات فی غریب القرآن» هم آمده است که: «اصل امنیت، طمأنینه و آرامش نفس و از میان رفتن ترس و خوف است. امن، امانت و امان در اصل مصدر هستند و به حالت و وصفی اطلاق می‌شود که انسان در آرامش باشد. گاه نیز به چیزهایی اطلاق می‌شود که انسان بر آن امانت‌دار و امین است» (۲۳). بنابراین امنیت عبارت است از رهایی از تردید، آزادی از اضطراب و بیمناکی و داشتن اعتماد و اطمینان موجه و مستند. تعریف اصطلاحی امنیت نیز تا حدودی از معانی لغوی آن دور نیفتاده است. امنیت به مفهوم سنتی آن که همیشه مطمح نظر سیاستمداران بوده، عبارت است از امنیت نظامی و توسل به قوای قهریه برای حصول به آرامش و فرار از خطرها.

امنیت به عنوان جلوه‌ای از حقوق اساسی بشر باید امنیت اخلاقی را نیز دربر بگیرد. به طور کلی، یک فرد زمانی که معتقد است رفاه اساسی خواهد داشت و احساس به رسمیت شناخته شدن اخلاق توسط دیگران در جامعه خود و توسط اجتماع سیاسی و نهادهای قانونی در جامعه را دارد، او دارای امنیت اخلاقی عینی است (۲۴). امنیت به عنوان یک حق اساسی بشر در حقوق و توسط بسیاری از نظریه‌پردازان حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است (۲۵). امنیت به مثابه حق اولیه‌ای است که داشتن آن ضروری است، چه این که تهدید امنیت سایر حق‌ها را تحت شعاع قرار می‌دهد و در بسیاری از نقاط جهان اختلال در حق امنیت از اهمّ موانع برای لذت‌بردن از هرگونه حق دیگر است (۲۶). امنیت در انواع مختلفی به رسمیت شناخته شده است که امنیت اخلاقی نمونه‌ای از آن است (۲۷). مراد از اخلاق در «امنیت اخلاقی» همان است که در زبان انگلیسی (Morality) شناخته می‌شود. اخلاق، نظامی منسجم از قواعد و اصول مورد تکریم و احترام هر فرد است که

می‌پردازد. در جمع‌آوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و مراجعه به اسناد، کتب و مقالات، بهره گرفته شده است.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاکی از این است که جرائم اخلاقی سازمان یافته باهدف کسب پول، قدرت مادی، خدمات نامشروع و غیر اخلاقی، امنیت اخلاقی را در جامعه نقض می‌نمایند. از این رو مداخله دولت در تأمین امنیت اخلاقی صرفاً در قلمرو مفساد اخلاقی گروهی یا سازمان یافته ضرورت داشته و تأمین امنیت اخلاقی فردی یا شخصی می‌بایستی به خود مردم و نهادهای مدنی واگذار گردد. بر همین مبنا، تفکیک مصادیق جرائم اخلاقی سازمان یافته از جرائم اخلاقی فردی جهت تعیین حدود و ثغور مداخله دولت در این حوزه اهمیت دارد.

بحث

۱. مبانی نظری مداخله دولت در جرائم اخلاقی سازمان یافته: به منظور شناسایی بهتر جرائم اخلاقی سازمان یافته و تفکیک مفساد اخلاقی گروهی از فردی و همچنین تبیین نوع، میزان و قلمرو مداخله دولت اسلامی در استفاده از تدابیر کنشی و واکنشی و عداللزوم جرم‌انگاری از طریق مداخله کیفری مقنن در حوزه جرائم امنیت اخلاقی ضروری است که بدانیم امنیت اخلاقی یعنی چه و آیا مشمول تعاریف رایج امنیت در دنیا می‌گردد؟ آیا تأمین امنیت اخلاقی بر عهده حکومت است؟ اگر آری، کدام نهادها و چه وظایفی بر عهده دارند؟

۱-۱. مفهوم امنیت اخلاقی: ریشه امنیت (Security) در لغت از امن، استیمان، ایمان و ایمنی است که به مفهوم اطمینان، آرامش در برابر خوف و ترس و نگرانی و ناآرامی است. امنیت در قاموس‌های فارسی به معنی «آزادی، آرامش، فقدان ترس و عدم هجوم دیگران آمده است» (۲۱). امنیت یک پدیده دووجهی می‌باشد که از یکسو به معنی ایمنی در مقابل حمله، استواری و نفوذناپذیری، قابلیت اعتماد و اطمینان از عدم شکست و یا تسلیم و از سوی دیگر، به معنای عدم اضطراب از تشویش و خطر اشاره دارد. در فرهنگ علوم

پیوندی ژرف با اعتقادات و نگرش خاص او دارد (۲۸). در نظام هنجاری اخلاقی فرد از منافع خویش و از تصمیم‌گیری بر اساس صرف تبعیت از شور و احساسات و خواسته‌های فردی دست برمی‌دارد و به دلیل وجود دیگری، آزادی عمل خود را تحدید و بر پایه مسئولیت‌شناسی نسبت به او رفتار اخلاقی انجام می‌دهد. همین محدودیت‌های متقابل پایه‌های اولیه تحدید خودخواسته آزادی فردی را برای تشکیل اجتماعی از انسان‌ها برای زندگی در کنار هم شکل می‌دهد.

همچنانکه در گزارش توسعه روابط انسانی سازمان ملل در سال ۱۹۹۴ تصریح شده و در گزارش‌های همین سازمان در سال‌های بعد تأکید شده، امنیت فردی برای مردم از اهمیت بیشتری برخوردار است (۲۹)، چراکه با تهدیدهایی چون جنایت، تهدیدهای خیابانی، خودکشی و مصرف مواد مخدر مواجه است که حیات فردی را به خطر می‌اندازند.

در جامعه اسلامی ایران که تعامل میان مردم و رهبران آن بر اساس رهیافت‌های دینی استوار است، استمرار انقلاب اخلاقی از اهداف دولت به شمار می‌روند که اجتناب مردم از رذایل و دستیابی به سلامت نفس، بنیاد این انقلاب خواهد بود. نامه معروف حضرت امام علی (ع) به مالک اشتر حاوی آموزه‌های دینی، اخلاقی و سیاسی است که بدون تردید می‌تواند ما را به امنیت اخلاقی موردنظر رهنمون سازد: «دعوت مردم و مدیران جامعه به تقوا، ایثار و فرمانبرداری خدا، دعوت به سرکوبی هواهای نفسانی، دعوت به عدالت، رحم و مروت، لطف و محبت به مردم، دعوت به چشم‌پوشی از خطاها و اشتباهات مردم و عیب‌پوشی از آن‌ها، دعوت به تعویض خشم با محبت و عفو، دعوت به پرهیز از غرور و طغیان ناشی از قدرت و ابهت مسئولیت، دعوت به هواداری و گرایش به مردم، دعوت به انتخاب مشاورانی که حرف‌های حق را بهتر و بیشتر می‌زنند ولو تلخ باشد و کمتر ستایش می‌کنند، هرچند این کار ناراحت‌کننده باشد» (۳۰).

با امعان نظر بر این آموزه‌ها، روشنفکران جامعه بایستی بدانند که اگر هنجارهای اخلاقی ملهم و منبعث از سنت‌های یک جامعه، عقل مصلحت‌جو و تمایلات مخرب را مهار می‌کنند، باید به آن‌ها بها داد و بگذاریم تا آن‌ها با صلابت و قدرت

وظیفه خود را به انجام برسانند. جایگاه امنیت به طور کلی و امنیت اخلاقی به عنوان مصداق خاصی از آن، در اسلام از اهمیت و ارزش والایی برخوردار بوده است تا جایی که امنیت از صفات خاص خداوند و از آثار ایمان و مقام پرهیزگاران تلقی شده است (۳۱). از آیات و روایات اسلامی چنین به دست می‌آید که امنیت از نعمت‌های بزرگ خداوند و مقدم بر سایر نیازمندی‌های بشر است، چنانکه علی (ع)، امنیت را نیاز ضروری همه آحاد بشر دانسته، وطن‌ناמן را بی‌ارزش توصیف نموده و تأمین امنیت را از اهداف تشکیل دولت و اساسی‌ترین وظیفه آن در اسلام دانسته‌اند (۳۲). در قرآن کریم نیز امنیت، نعمت بی‌بدیل الهی، خواسته مؤمن از خداوند، وعده الهی به پیامبر (ص) و مؤمنان و از جمله ویژگی‌های شهر خوب به شمار می‌آید (۳۳). حضرت آیت‌الله خامنه‌ای هم امنیت را به هوا تشبیه نموده‌اند که از ضروریات اولیه برای زندگی بشر است: «امنیت، مثل هوا برای انسان، به طور مستمر لازم است» (بیانات مقام معظم رهبری در مورخه ۱۳۷۲/۴/۲۶).

امنیت اخلاقی دربردارنده «قواعدی است که در طول ادواری از زندگی یک جامعه به سائقه فطرت و اندیشه‌های گوناگون آن جامعه به وجود آمده و افراد آن‌ها را محترم شمرده و بیش و کم به معرض اجرا درمی‌آورند و تخلف از آن‌ها وجدان اکثریت جامعه را متألم و ناراحت می‌کند. مبنای آن‌ها ترویج خوبی‌ها و کاهش بدی‌هاست و ممکن است قوانین موضوعه اصول آن‌ها را مورد احترام قرار دهد، بدون اینکه وارد جزئیات آن‌ها شود...» (۳۴).

حال با توجه به دو خصوصیت «چندلایگی» و «چندبعدی» امنیت و مفهوم‌شناسی آن بر مبنای پیش‌فرض‌های ایدئولوژیک و ارزشی، بایستی مفهوم امنیت اخلاقی را در چارچوب همین پیش‌فرض ایدئولوژی و ارزشی حاکم بر جامعه ایرانی مورد ارزیابی قرارداد و بقیه مباحث نظری امنیت را بر این اساس تجزیه و تحلیل نمود و تنها در چنین فرضی می‌توان ادعا نمود که مفهوم ارائه‌شده از امنیت اخلاقی با تعاریف رایج امنیت در دنیا هماهنگی دارد.

سیاست‌های بازدارندگی را تحت مداخله دولت می‌توان ارزیابی کرد (۳۸). در این بین افرادی چون پاکر (Herbert L. Packer) هم معتقد به نظریه بینابین بوده و در مقابل حق افراد بر داشتن امنیت در مقابل بزه‌کاران، بر حق افراد بر داشتن تأمین در برابر پلیس، دادگستری و دولت تأکید می‌کنند (۳۹). دکتر هربرت پاکر (Herbert L. Packer) با طرح دو «مدل کنترل جرم» (Crime Control Model) و «مدل عدالت» (Due Process Mode)، سعی در رفع اختلاف بین دو دسته از حقوق یعنی امنیت و عدالت داشته است (۴۰). بر پایه این نظریه، دخالت دولت در تأمین امنیت اخلاقی بایستی محدود به برخی از رفتارهای غیر اخلاقی، آن‌هم بر اساس مبانی و اصولی احتیاط‌آمیز باشد. حکومت تنها بایستی با رفتاری که به طور کلی غیر اخلاقی شناخته شده برخورد نماید. محدودیت احتیاط‌آمیز مورد نظر پاکر (Packer)، این است که دخالت حکومت بایستی به رفتاری محدود شود که بدون اختلاف نظر آشکار اجتماعی، غیر اخلاقی تلقی می‌شود. پاکر (Packer) معتقد است که دخالت حکومت در تأمین امنیت اخلاقی، پرهزینه است، لذا صرف غیر اخلاقی بودن رفتار، دلیل کافی یا دلیل اصلی برای توسل به حکومت نیست (۳۵)، بلکه امنیت پایدار و مشروع در پرتو پیشگیری عادلانه و بازپروری عادلانه بزه‌کاران بر اساس آموزه‌های مدل عدالت یا کرامت‌محور است (۴۱). بدین‌سان برای کاهش احساس ناامنی شهروندان، آسان‌سازی زندگی روزانه و متنوع کردن اوقات فراغت مردم، تحدید دامنه و موارد مداخله دولت به ویژه پلیس در زندگی افراد، در کنار کنترل بزه‌کاری امری بسیار ضروری است (۴۲)، لذا دولت باید سیاستگذار و حامی فرهنگ اخلاقی باشد، اما به گونه‌ای که این سیاستگذاری و حمایت به تصدی‌گری و دولتی‌شدن اخلاق منجر نشود.

به نظر می‌رسد نمی‌توان دولت را در حمایت از اخلاق و تأمین شرایط و لوازم اخلاقی بودن و اخلاقی ماندن جامعه بر اساس اخلاق و قواعد مورد پذیرش خود، بدون مسئولیت دانست. با توجه به اینکه مخالفان برای دولت حق و اختیاری برای الزامی

۱-۲. نهاد تأمین امنیت اخلاقی: در پاسخ به این سؤال که آیا تأمین امنیت اخلاقی بر عهده دولت است و به عبارت دیگر آیا مجاز به الزامی کردن اخلاق هستیم یا خیر؟ اندیشمندان و فیلسوفان سه گروه هستند که دلایل موافقان و مخالفان و نظریه بینابین را به اختصار توضیح می‌دهیم. موافقان تأمین امنیت اخلاقی توسط حکومت، دو دیدگاه متفاوت دارند. دیدگاه معتدل، تأمین امنیت در ازای اخلاق شناخته شده و مشترک را به این دلیل که جامعه را به هم پیوند می‌دهد بر عهده حکومت و دولت می‌داند، لیکن دخالت دولت را در تأمین امنیت در ازای رفتارهای شخصی و فردی خلاف اخلاق را به این دلیل که به دیگری ضرر نمی‌زنند، موجب فساد نمی‌شوند و در خلوت هم انجام می‌شوند، قبول ندارند، از جمله طرفداران این دیدگاه می‌توان به هارت (Hart) و لرد دولین (Lord Devlin) اشاره کرد (۳۵). این دیدگاه تأمین امنیت اخلاقی را از وظایف اصلی دولت می‌داند و از جمله معتقد است که مدیران و مسئولان باید امنیت اخلاقی را در فضای خارج از خانه اعم از کوچه، خیابان و دانشگاه برای حضور دختر و پسر جوان ایرانی با الگوهای اسلامی فراهم کنند و اگر جامعه به سمت بی‌بندوباری رود مشخص می‌شود دولت کار خود را درست انجام نداده، لذا باید نیروی انتظامی با هنجارشکنان برخورد قاطع و به موقع داشته باشد، البته نکته‌ای که نباید از آن غفلت کرد، تفاوت مفهوم حریم خصوصی در حکومت اسلامی با ایدئولوژی لیبرالی هست. لیبرالیسم اصالت را به حوزه خصوصی داده است و از همین روی، برنامه‌ها و تجویزهای لیبرالیسم به حداقلی شدن حوزه عمومی (دولت حداقل) و حداکثری شدن حوزه خصوصی معطوف شده است، لذا از دید لیبرالیسم، انتظار می‌رود افراد در حریم خصوصی خود بیش از هر شرایط دیگر خشنود و راضی باشند (۳۶). در بررسی معضلات اخلاقی مرتبط با آزمایش‌های تصادفی، محققان معمولاً بر روش‌هایی تمرکز می‌کنند که تصادفی‌سازی درمان‌ها یا مداخلات، هنجارهای پذیرفته‌شده انجام تحقیقات علوم اجتماعی را به طور کلی‌تر یا ارزیابی سؤالات جرم و عدالت را به طور خاص‌تر نقض می‌کند (۳۷)، سپس اثربخشی

ضرورت پیدا کند. به عبارت دیگر، دولت از نظام کیفری زمانی استفاده نماید که سایر مکانیسم‌های بازدارنده کنترل اجتماعی، کارآمد و یا کافی نباشند. قانونگذار در مبارزه علیه جرائم اخلاقی شدید و مهم بایستی از دستاوردهای علوم، به خصوص جرم‌شناسی بهره کافی را برده و از پژوهش‌ها و یافته‌های آن در قانونگذاری استفاده نماید. به عنوان نمونه رایانه و اینترنت دستگاهی هستند که امروزه زندگی بشر را محاصره کرده و علیرغم اینکه با تمامی توسعه و پیشرفتشان به خدمت گرفته شده‌اند، خیلی از مرتکبان حرفه‌ای با تمسک به همین ابزارها و وسایل وارد حریم خصوصی و خانوادگی شهروندان شده و جرائم اخلاقی شدیدی چون پورنوگرافی کودکان مرتکب می‌شوند که مقنن بایستی به موقع و مناسب آن‌ها را دریابد و قوانین لازم را در این خصوص وضع نماید (۴۴). در کنار این جرم‌انگاری‌های ضروری، قانونگذار بایستی از تصویب قوانین جرم‌زا در حوزه اخلاق اجتناب نماید. به عبارت دیگر قانونگذار مسئول و آگاه بایستی در فرایند قانونگذاری، ضرورت‌ها را برای برقراری امنیت اخلاقی بیابد و بایدونبایدها را بر اساس همین ضرورت‌ها کشف و برای آن مقررات لازم وضع نماید. به نظر می‌رسد تفکیک رفتارهای غیر اخلاقی به دودسته رفتار غیر اخلاقی فردی و شخصی (جرائم غیر اخلاقی بدون بزه‌دیده) و رفتار غیر اخلاقی گروهی و مضر به حقوق دیگران (جرائم غیر اخلاقی دارای بزه‌دیده و مضر به حقوق بنیادی دیگران) و حذف ضمانت اجرایی که در واکنش به جرائم غیر اخلاقی بدون بزه‌دیده در قوانین در نظر گرفته شده است و واگذار کردن واکنش به آن‌ها به مردم و نهادهای کاملاً مردمی در قالب امر به معروف و نهی از منکر که دستور مؤکد اسلامی است و عدم دخالت در آن، به ویژه در قالب حقوق کیفری از وظایف اولویت‌دار حکومت باشد (۴۵).

۱-۳-۲. **دستگاه عدالت کیفری:** دادسراها، دادگاه‌ها و ضابطان قوه قضاییه، به خصوص نیروهای انتظامی، از جمله گردانندگان نظام عدالت کیفری هستند که در تأمین امنیت اخلاقی دخالت مؤثری دارند.

کردن اخلاق نمی‌بینند، این می‌تواند دولت را نسبت به سرانجام اخلاقی جامعه بی‌تفاوت کند و برخی از دخالت‌های دولت را در حمایت از اخلاقیات جامعه بدون دلیل بگذارد، کما اینکه ادعای موافقان نیز می‌تواند راه را برای دخالت‌های فراوان و بی‌جای دولت‌های مدعی حمایت از اخلاق باز نگه دارد و به اقدام‌های مداخله‌گرانه آن‌ها مشروعیت بخشد، چراکه امنیت حاصل از مدل کنترل جرم منوط به استمرار سخت‌گیری کیفری و اعمال بی‌وقفه سیاست تعقیب متهمان و در نهایت تغذیه و تقویت مداوم زرادخانه کیفری برای کاهش تهدیدهای جنایی است (۴۳). بنابراین می‌توان بین این دو دیدگاه، قائل به نظریه بینابین شد. شواهد تاریخی و مطالعات تجربی مبین آن است که رویه‌ها و ابزارهای متکی به تشویق و ترغیب و یا کنترل و تهدید و اعمال فشارهای اجتماعی زمانی می‌تواند موفق عمل نماید که بسترسازی‌های لازم و سازگاری انسجام بین نهاد دولت و نهادهای مدنی یا مردمی وجود داشته باشد. انعطاف‌پذیر کردن مقررات، انتخاب ابزارهای کارآمد، به کارگیری مکانیسم‌های خودگردان، از جمله جنبه‌هایی است که در انتخاب ابزارها باید مورد توجه قرار گیرد.

۱-۳. **نهادهای متولی امنیت اخلاقی:** با پذیرش دخالت دولت در برخی از حوزه‌های اخلاقی، حال بایستی به این پرسش پاسخ داده شود که در آن حوزه‌های اخلاقی که دولت مبادرت به تأمین امنیت اخلاقی می‌نماید، کدام نهادها و چه وظایفی در این رابطه بر عهده دارند؟ نظام عدالت کیفری که متشکل از کارگزاران، مسئولان و مقام‌های مسئول سیاست جنایی هر کشور است، بعد از نظام تقنینی، نقش مهمی در تأمین امنیت اخلاقی ایفا می‌کند.

۱-۳-۱. **دستگاه تقنینی:** قوه مقننه به عنوان یک نهاد رسمی در تأمین امنیت اخلاقی جامعه نقش مهمی را می‌تواند ایفا نماید. قانونگذار در حوزه اخلاق، آن رفتارهایی را جرم‌انگاری نماید که تا درجه‌ای مخاطره‌آمیز هستند که دارای ویژگی غیر قابل تحمل بوده و احساسات قوی و مشخص وجدان جمعی را جریحه‌دار می‌کنند و اختلال ناشی از نقض رفتار اخلاقی به حدی قوی باشد که توقف آن به شکل جرم‌انگاری رسمی

۳- کیفیت استخدام و تأمین کادر مورد نیاز این نیرو.

۴- آموزش و تجهیز نیروی انتظامی.

۵- تقسیم کار و ایجاد واحدهای حرفه‌ای و تخصصی در حوزه جرائم اخلاقی (۴۸).

۲. جلوه‌های مداخله دولت در جرائم اخلاقی سازمان یافته:

حال پس از آشنایی اجمالی با مفهوم و متولیان امنیت اخلاقی و تبیین دیدگاه موافقان و مخالفان مداخله کیفری در قلمرو جرائم اخلاقی، در این قسمت در تداوم پیوند با مباحث قبلی بایستی به این سؤال‌ها پاسخ داده شود که مصادیق اخلاقی در امنیت اخلاقی در قوانین ایران کدام است و مجازات آن چیست؟ آیا تفاوتی میان مفاسد فردی و مفاسد گروهی وجود دارد؟ جرائم اخلاقی سازمان یافته با رویکرد تضعیف نظام اسلامی، چه مشخصه‌هایی دارد و برخورد با آن‌ها چگونه است؟ برخی از رفتارهای مخل امنیت اخلاقی که قانونگذار آن‌ها را جرم‌انگاری نموده و برای آن‌ها مجازات پیش‌بینی نموده، به شرح پیش‌بینی شده در ذیل فصل هجدهم قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ تحت عنوان «جرائم ضد عفت و اخلاق عمومی» و برخی از قوانین متفرقه دیگر عبارت‌اند از:

۱-۲. **رابطه نامشروع و عمل منافی عفت غیر زنا:** برقراری روابط نامشروع و عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل یا مضاجعه به عنوان یکی از مهم‌ترین مصادیق اخلاقی در امنیت اخلاقی محسوب می‌شود که قانونگذار ۱۳۷۵ به شرح ماده ۶۳۷ آن را جرم اعلام و برای آن مجازات شلاق تعزیری پیش‌بینی نموده است. مطابق این ماده، غرض از روابط نامشروع آن نوع رفتار غیر اخلاقی طرفینی است که منتهی به ایجاد روابط جنسی زن و مرد نامحرم به طور مادی و فیزیکی نشود، نظیر مکالمه تلفنی، گردش نمودن و صحبت کردن با نامحرم به قصد شهوت‌رانی و ارضای تمایلات جنسی و... (۴۹). با این حال باید در نظر داشت که «صرف مکاتبه عاشقانه مبتنی بر ابراز تمایل و علاقه به ازدواج بین زن و مردی که فاقد موانع نکاح می‌باشند حرام نیست» (نظریه‌های مشورتی ۱۳۶۲/۳/۲-۷/۹۷۹ و ۱۳۷۸/۶/۱-۷/۲۴۵۲ اداره حقوقی قوه قضاییه).

نقش دادسرا در زمینه تأمین امنیت اخلاقی به عنوان نمونه در قاعده «موقعیت داشتن تعقیب کیفری» نمود پیدا می‌کند که بر اساس آن دادستان می‌تواند پاره‌ای از اشکال رفتارهای غیر اخلاقی را که در مقطعی از زمان بسیار خطرناک تلقی می‌شوند با قاطعیت کشف و تعقیب کرده و برعکس پرونده‌های کم‌اهمیت را، لاقلاً در برخی جرائم غیر اخلاقی فردی و شخصی و بدون بزه‌دیده تعقیب نکند.

دادگاه مهم‌ترین نهاد نظام عدالت کیفری است که متصدی دادرسی و صدور حکم است. برائت بی‌گناه و مجرمیت گناهکار در حوزه جرائم اخلاقی بستگی زیادی به سازمان، کادر قضایی، آیین دادرسی و سرعت در رسیدگی دادگاه دارد. دادگاه همچنین رویه قضایی را در تکمیل و تفسیر قانون جزا پدید می‌آورد، به گونه‌ای که می‌تواند نقص‌ها و کمبودهای تأسفبار را جبران نماید.

پلیس هم در تأمین امنیت اخلاقی از دو منظر می‌تواند ایفای نقش نماید. از یک منظر به عنوان ضابط قضایی، یعنی پس از وقوع جرائم اخلاقی در جهت کشف جرم، دستگیری مجرم و جمع‌آوری دلایل، تحت نظر و هدایت مقام قضایی که به آن «پلیس قضایی» می‌گویند. بدین‌سان پلیس قضایی بازوی قهرآمیز یا مسلح دستگاه قضایی در سرکوب کیفری بزه‌کاران اخلاقی است. از منظر دیگر، پلیس غیر قضایی یا اداری را داریم که وظیفه عمده آن پیشگیری از بزه‌کاری اخلاقی و به عبارت دیگر، حفظ نظم و بعضاً برقراری امنیت اخلاقی است؛ البته در قانون نیروی انتظامی، حفظ نظم و برقراری نظم نیز به عنوان وظایف این نیرو آورده شده است، یعنی وظیفه پلیس اداری، پیشگیری از وقوع جرم و اعمال خلاف قانون است (۴۶). در این خصوص قسمت‌های «الف»، «ب»، «ج» و «د» بند ۸ و بند ۳ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی به عنوان نمونه قابل توجه است (۴۷). در هر حال توفیق پلیس در تأمین امنیت اخلاقی مرهون عوامل مختلفی است که به عنوان مثال می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- لزوم تحدید و تعیین حدود مداخله نیروی انتظامی.

۲- مقبولیت همگانی نیروی انتظامی.

منظور از عمل منافی عفت غیر زنا نیز هر نوع رابطه جنسی که منتهی به مواجهه نگردد می‌باشد و بدیهی است که رابطه جنسی مذکور لزوماً باید مادی و فیزیکی باشد، لذا اعمالی نظیر چشمک‌زدن، لبخندزدن از روی شهوت و... مشمول این رفتار غیر اخلاقی نمی‌گردد (۵۰)، کما اینکه در رویه قضایی موجود، قضات با توجه به تحولات فرهنگی و حضور روزافزون زنان در جامعه در کنار مردان و مشارکت بالای آن‌ها در فعالیت‌های اجتماعی، حضور این دو قشر را در کنار یکدیگر که در مواردی بالاجبار مثل حضور دو همکار به تنهایی در محل کار و از این دست موارد است و نیز در مواردی با اختیار مثل خوردن نهار در یک رستوران و یا تردد با ماشین همکاران را جرم محسوب نمی‌کنند. در خصوص شمول ماده ۶۳۷ بر رابطه نامشروع از طریق شبکه‌های اجتماعی نیز برخی از قضات معتقدند که برای رابطه نامشروع غیر جسمانی بین زن و مرد در فضای مجازی جرم‌انگاری نشده است.

۲-۳. بی‌حجابی در معابر و انظار عمومی: در حقوق کیفری، قلمرو آزادی شهروندان با توجه به نوع سیاست جنایی اتخاذشده هر دولت در قبال پدیده بزه‌کاری متفاوت است. از آنجا که به استناد اصل ۴ قانون اساسی سیاست کلی حاکم بر فضای حقوقی و اجتماعی ایران باید مبتنی بر موازین اسلامی باشد قانونگذار نیز به تاسی از این تأکید، حجاب شرعی را تحت حمایت قانونی (کیفری) قرار داده است. از یک طرف پیش‌فرض‌های مبتنی بر مسئولیت‌های اجتماعی دولت در قبال پاسداشت ارزش‌های ساختاری و مراقبت از آن‌ها و عینیت‌بخشی به اخلاق در جامعه به عنوان مبانی کلان و از طرف دیگر اعتقاد به جنبه پیشگیرانه حجاب در جلوگیری از بزه‌دیدگی در برخی جرائم به عنوان مبانی بزه‌دیدگی شناختی و تولید حس امنیت در زنان به عنوان مبانی روان‌شناختی در جایگاه مبانی خرد، قانونگذار را بر آن داشته تا مقوله حجاب زنان را با حقوق کیفری پیوند دهند (۵۲). بدحجابی و بدلباسی به عنوان مظاهر مفساد اخلاقی و اجتماعی، به شرح تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ جرم‌انگاری گردیده است. در طرح امنیت اخلاقی نیروی انتظامی آمده است که بدحجابی و بدلباسی مظاهر مفساد اجتماعی هستند و همین مظاهر راه را برای مفساد پنهان هموار می‌کنند و بدحجابی و بدلباسی پشتوانه‌های پنهانی دارند که با سرمایه‌گذاری‌های ویژه به آن‌ها دامن می‌زنند و عاملان پشت پرده از این طریق به سایر اهداف خود می‌رسند (۵۳).

۲-۲. تظاهر به عمل حرام یا جریحه‌دارکننده عفت عمومی در ملأ عام: تظاهر به عمل حرام یا جریحه‌دارکننده عفت عمومی در ملأ عام یکی دیگر از مصادیق اخلاق در امنیت اخلاقی محسوب می‌شود که به موجب ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، مستوجب حبس و شلاق تعزیری می‌باشد. البته لازم به یادآوری است که جرم‌انگاری و تعیین کیفر برای عمل غیر اخلاقی به کیفیت مطروحه در ماده فوق، به شدت مورد انتقاد است. با این توضیح که در حقوق کیفری موضوعه ایران، رعایت اصل قانونی‌بودن جرم و مجازات، اقتضا دارد که اصل ۱۶۷ این قانون و نیز سایر قوانین که در آن‌ها مراجعه قضات به منابع فقهی تجویز گردیده است، به نحوی تفسیر شوند که اجازه مندرج در این قوانین، منصرف از موارد جعل جرم و تعیین کیفر باشد. از آنجا که اجازه تلویحی مراجعه به این منابع در ماده ۶۳۸ منجر به جرم‌انگاری و تعیین کیفر برای اعمالی می‌شود که در قانون نیامده است، لذا ماده مزبور به جهت مغایرت با قانون اساسی و اصول مسلم حقوقی که در حقوق اسلام نیز پذیرفته شده، از جمله اصل اباحه، اصل برائت و قاعده قبح عقاب بلابیان و آیات و روایات

این مجله تابع سیاست دسترسی باز از نوع CC BY-NC 4.0 می‌باشد.

قضایی متذکر می‌شود، در رسیدگی به جرائم افرادی که عمل آنان مشمول ... تبصره ۱ ماده ۵ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آن‌ها خلاف شرع و یا باعث جریحه‌دارنمودن عفت عمومی است در صورت احراز وقوع جرم، مرتکبان را به اشد مجازات قانونی محکوم نمایند تا بدین طریق از اشاعه و ترویج خصلت‌های تخریبی و ضد اسلامی جلوگیری به عمل آید.» این در حالی است که قوانین یادشده، امروز به قوانین متروکه‌ای تبدیل شده‌اند که شاید در اذهان مردم نیز جایی نداشته و شاید هیچ فرد غیر حقوقدانی از وجود چنین الزام قانونی مطلع نباشد و چه بسا قضات نیز با توجه به تحولات فرهنگی، مبادرت به جرم‌زدایی عملی نسبت به چنین رفتارهایی نمایند، اما این بدان معنا نیست که دخالت دولت در این امر و ضمانت اجراهای کیفی را باید کنار گذارد. بنابراین دخالت دولت در امر پوشش مردم و تمایل به نظارت و کنترل در این قلمرو فی‌نفسه پسندیده است، اما توجه به سه نکته ذیل لازم است:

ارزش و کرامت والای انسان ایجاب می‌نماید قلمروی حداقلی برای آزادی‌های شخصی محفوظ بداریم و حق متفاوت‌بودن را بپذیریم (۵۴). آیین‌نامه اجرایی قانون سال ۱۳۶۴ و بخشنامه‌های صادره بر اساس آن، همگی در جهت محدودکردن حق متفاوت بودن افراد است.

ایجاد بستر فرهنگی صحیح در کنار ضمانت اجراهای قهرآمیز باید مورد توجه قرار گیرد. ورود در حیطه سلیقه‌های شخصی افراد جامعه باید با کار فرهنگی و ایجاد بستر تغییر بطنی همراه باشد، زیرا صرفاً با تغییر و تحول در فرهنگ جامعه و اعتقادات مردم می‌توان ضمانت اجرای جامعوی ایجاد کرد (۵۵). اغماض مجریان قانون، راه‌حل مناسبی در جهت کیفرزدایی نیست، چراکه این اغماض موجب سخره‌گرفته‌شدن اصل قانون می‌شود. از این رو سیاست «تعقیب تعقیب» این‌گونه مرتکبان بایستی جایگزین سیاست کیفرزدایی اجرایی شود (۵۶).

ناگفته نماند تعریف محدود و مضیق محتویات مستهجن، برابر تبصره ۵ ماده ۳ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور

مضاف بر تبصره ماده ۶۳۸، قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آن‌ها در ملاً عام خلاف شرع است یا عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کند مصوب ۱۳۶۵/۱۲/۲۸، مستند می‌نمایند. ماده ۴ این قانون کسانی را که در انظار عمومی وضع لباس پوشیدن و آرایش آنان خلاف شرع یا موجب ترویج فساد یا هتک عفت عمومی بوده باشد، قابل توقیف و محاکمه دانسته است، البته لازم به ذکر است که ماده ۲ قانون برای تولیدکنندگان داخلی، واردکنندگان و استفاده‌کنندگان از البسه و نشان‌های ممنوع، مجازات تعزیری پیش‌بینی و این قانون تعیین نوع پوشش و علائم مشخصه گروه‌های ضد اسلام یا انقلاب و جزئیات دیگر را به آیین‌نامه اجرایی واگذار کرده است. وزارت کشور در اجرای وظیفه خود طبق آیین‌نامه، طی دو بخشنامه مصادیق البسه و علائم غیر مجاز را معین نمود. بخشنامه شماره ۶۸۷۷-۱۳۷۱/۲/۱۹ به منظور اجرای مفاد قانون و تداوم امر سالم‌سازی محیط‌های اجتماعی و مبارزه با هرگونه تعرض به مقررات اجتماعی و اعمال خلاف قانون، برابر آیین‌نامه اجرایی فوق و اجرای مفاد بخشنامه ۶۸۰-۱۳۶۹/۲/۱۶ ریاست جمهوری نسبت به حفظ ارزش‌ها و رعایت پوشش اسلامی به کمیسیون سیاستگذاری در امور مبارزه فرهنگی و اجرایی با مظاهر فساد، پس از بحث پیرامون موضوع مواد ۲ و ۵ این قانون و موضوع ماده ۱۰۲ قانون تعزیرات ۱۳۶۲ (تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ ش.)، مصادیق غیر مجاز واردات، تولید، توزیع و فروش البسه، فیلم‌ها، نوارهای تصویری و صوتی مبتذل و مستهجن را مورد تصویب قرار داد. بخشنامه شماره ۱۳۷۶/۴/۲-۱/۴/۲۹/۲۰ نیز به موارد مصوب مربوط به مصادیق البسه و آرایش غیر مجاز مواردی را اضافه نمود؛ حتی در گفتمان سیاست جنایی قضایی دهه ۱۳۷۰، شاهد کیفرانگاری تشدید در این حوزه بوده‌ایم. در بخشنامه شماره ۱۳۷۲/۳/۴-م/۸۵/۷۲ ریاست قوه قضاییه وقت چنین آمده بود: «نظر به ضرورت برخورد قاطع قانونی با ترویج‌دهندگان فرهنگ منحط و مغایر با شوون اسلامی و اخلاقی و فرهنگ مردم مسلمان ایران به خصوص تهیه و توزیع‌کنندگان نوارهای مبتذل ویدیویی، به کلیه مراجع

فعل حرام دیگری غیر روابط جنسی در آن به وقوع می‌پیوندد را دستگیر می‌نمایند و قضات محاکم، به ویژه اگر این اماکن طبق گزارش نیروی انتظامی برای چنین مجالسی اختصاص یافته باشد، طبق مفاد این ماده تعیین مجازات می‌نمایند. ناگفته نماند که این روش نه تنها با اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری تناقض دارد، بلکه به موازات تحول فرهنگی جامعه و علیرغم ثابت بودن قوانین موضوعه، امروزه قضات محاکم که خود نیز عضو جامعه بوده و شاهد تحولات فرهنگی هستند، در رسیدگی به چنین جرائمی با اغماض عمل می‌کنند. به عنوان نمونه برابر دادنامه شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۲۷۰۰۹۵۲ صادره از شعبه ۱۰۸۹ دادگاه عمومی جزایی تهران در سال ۱۳۹۲، برگزاری جشن عروسی به صورت مختلط و بی‌حجابی برخی میهمانان، مصداق فراهم کردن فساد و فحشا یا ارتکاب فعل حرام در نظر گرفته نشده است.

ناگفته نماند نه تنها به موجب بند «ب» ماده ۱۵ قانون جرائم رایانه‌ای، تحریک، تشویق، ترغیب، تهدید یا دعوت به فساد و فحشا و ارتکاب جرائم منافی عفت یا انحرافات جنسی جرم‌انگاری گردیده است، بلکه برابر مصوبه بیست و هشتمین جلسه کارگروه تعیین مصادیق محتوای مجرمانه، راه‌اندازی مراکز و پایگاه‌های همسریابی در فضای مجازی بدون اخذ مجوز از وزارت ورزش و جوانان نیز در فهرست مصادیق محتوای مجرمانه ذکر گردیده است.

۲-۵. تهیه و توزیع و نمایش اشیای منافی عفت عمومی یا جرائم مربوط به اشیای مضر به عفت و اخلاق عمومی: این امر از طرق مختلف از جمله بلوتوث تلفن‌های همراه و شبکه‌های مجازی از قبیل تلگرام، واتساپ، اینستاگرام، لاین و... امنیت خانواده‌ها را به خطر می‌اندازد، و یکی دیگر از موارد مهمی است که در طرح امنیت اخلاقی نیروی انتظامی به آن اشاره شده و عنوان گردیده که افرادی که با آبرو و حیثیت مردم بازی می‌کنند، نمی‌توانند امنیت داشته باشند. در خصوص مبنای قانونی دخالت حکومت به طور کلی و نیروی انتظامی به طور خاص در تهیه و توزیع و نمایش اشیای منافی عفت عمومی یا به طور کلی جرائم مربوط به اشیای مضر به

سمعی و بصری فعالیت‌های غیر مجاز می‌نمایند (مصوب ۱۳۷۲ ش.) و همچنین تبصره ۴ ماده ۱۴ قانون جرائم رایانه‌ای (مصوب ۱۳۸۸ ش.)، پاسخگوی تمامی مصادیق بی‌حجابی در فضای غیر فیزیکی نیست، لذا برهنگی کامل زن و یا اندام تناسلی و اعمال جنسی بیشتر ناظر به موارد منافی عفت در معنای خاص بوده و دربردارنده بی‌حجابی یا برهنگی بخشی از بدن زنان در این فضای مجازی نخواهد بود (۵۷).

۲-۴. دایرکردن مرکز فساد و فحشا یا اداره آن و تشویق مردم به فساد و فحشا: یکی دیگر از مصادیق اخلاق در امنیت اخلاقی که از منظر قانونگذار ۱۳۷۵ جرم اعلام گردیده و برای آن مجازات حبس تعزیری و اقدام تأمینی در قالب بستن مؤسساتی که موجب تسهیل وسایل برای اعمال منافی عفت هستند، پیش‌بینی شده، جرائم اخلاقی مقرر در ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ می‌باشد. برابر صدر این ماده، در ضمن حکم مجازات مرتکبان این جرائم اخلاقی، حکومت مجاز گردیده مؤسساتی را که موجب تسهیل وسایل برای اعمال منافی عفت شناخته می‌شوند در جهت تضمین و تأمین امنیت اخلاقی در جامعه آن‌ها را تعطیل نماید.

نکته قابل توجه در عناوین مجرمانه این ماده آن است که «دایرکردن»، «اداره کردن» و «تشویق مردم» هر سه عناوینی از «جرم مستمر» می‌باشند و هیچ یک از جرائم فوق، طبق ضوابط حاکم بر جرائم مستمر، با یک بار تحقق نمی‌یابد، یعنی استفاده برای یک بار از یک محل موجب تحقق عنوان مرکز فساد یا دایرکردن آن نخواهد بود و حداقل دو بار باید چنین عملی تکرار شود. نکته قابل تأمل آن است که آیا مرکز فساد و فحشا محلی است که هر یک از جرائم زنا، لواط یا جرائم موضوع مواد ۶۳۷ و ۶۳۸ در آن اتفاق می‌افتد؟ یا صرفاً به محلی اطلاق می‌شود که جرائم جنسی در آن به وقوع می‌پیوندند؟ ثمره عملی این بحث آن است که در پرونده‌های منکراتی گاه دیده می‌شود، محلی را که صرفاً محل ارتکاب جرائم جنسی است کشف می‌کنند و گاه متهمانی را از مجالس پارتی یا شب‌نشینی یا حتی مراسم‌های عروسی که افعال حرامی مانند پخش موسیقی مطرب، اختلاط زن و مرد و هر

عفت و اخلاق عمومی می‌توان اذعان داشت که این نوع اختلال در امنیت اخلاقی جامعه به موجب ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ به صراحت جرم اعلام گردیده است. البته در این خصوص به احکام پیش‌بینی‌شده در ماده ۳ قانون مجازات افرادی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیر مجاز دارند (مصوب ۱۳۷۲/۱۱/۲۴)، مواد ۸ و ۹ قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره (مصوب ۱۳۷۳/۱۱/۲۳)، ماده ۲۸ قانون مطبوعات (مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۲) و مواد ۳ و ۵ قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندگان لباس‌هایی که استفاده از آن‌ها در ملاء عام خلاف شرع است یا عفت عمومی را جریحه‌دار می‌کند (مصوب ۱۳۶۵/۱۲/۲۸) نیز می‌توان اشاره نمود که منابع قانونی یادشده می‌توانند وجهت قانونی دخالت حکومت در این‌گونه مصادیق اخلال در امنیت اخلاقی جامعه را توجیه نمایند.

به هر حال وقوع جرائم اخلاقی در هر اجتماع امری مسلم و انکارناپذیر است. آنچه در این میان مهم می‌نماید، نوع واکنش اتخاذشده از سوی دولت در قبال این‌گونه جرائم است. راهبرد انتخاب‌شده از سوی مقنن در دهه ۱۳۶۰ یا ۱۳۷۰ از جرم‌انگاری آن‌ها در چارچوب حقوق کیفری حکایت دارد. این در حالی است که با توجه به تحولات فرهنگی گسترده جامعه ایران در دو دهه اخیر، اکثر این جرم‌انگاری‌ها با آداب و رسوم و باورهای فرهنگی مردم امروز منطبق نیست. تا جایی که جرم‌زدایی و کاهش تورم کیفری مسأله روز دستگاه‌های قضایی و انتظامی شده است و در گفتمان غالب سیاست جنایی تقنینی، قضایی و اجرایی برخلاف گذشته، ارتکاب جرائم اخلاقی به قصد تضعیف نظام یا جنبه امنیتی‌دادن به این جرائم مطرح نیست.

نتیجه‌گیری

امنیت اخلاقی و قواعد حاکم بر تأمین آن، برای حاکمیت کشورهای مختلف، از جمله ایران از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. در اسلام نیز مفاسد اخلاقی به عنوان یکی از قلمروهای مهم حاکمیت مورد توجه قرار گرفته و دارای ابعاد مختلف

دنیوی و اخروی می‌باشد. در این خصوص یکی از موضوع‌های اختلاف‌برانگیز این است که آیا باید تأمین امنیت اخلاقی به دست خود مردم سپرده شود و دولت نظاره‌گر باشد و یا اینکه دولت باید دخالت نموده و هرگونه رفتار ناقض امنیت اخلاقی را جرم‌انگاری نماید و در فرض اخیر، حدود و ثغور این دخالت چگونه است و بر مبنای چه معیاری به دخالت می‌پردازد. آنچه مهم است دانسته شود، این است که نظارت و یا دخالت دولت اسلامی در حوزه امنیت اخلاقی برای ایجاد نظم در آن ضروری است و حدود و ثغور آن با توجه به سازمان‌یافته و فردی بودن رفتار غیر اخلاقی متفاوت می‌باشد. در حاکمیت‌های دینی هیچ مسئولی نمی‌تواند مسئولیت خود را در قبال تأمین امنیت اخلاقی جامعه که لازمه آن مبارزه با لایه‌های پنهان فساد است، انکار کند. در این میان رابطه نامشروع و عمل منافی عفت غیر زنا، تظاهر به عمل حرام یا جریحه‌دارکننده عفت عمومی در ملاء عام، دایرکردن مرکز فساد و فحشا یا اداره آن، تشویق مردم به فساد و فحشا، تهیه و توزیع و نمایش اشیای منافی عفت عمومی یا جرائم مربوط به اشیای مضر به عفت و اخلاق عمومی از مهم‌ترین جلوه‌های اخلال در امنیت اخلاقی در قوانین موضوعه ایران تلقی می‌شوند. از همین رو می‌توان به ممنوعیت یا محدودیت دخالت دولت در قبال جرائم اخلاقی فردی یا غیر سازمان‌یافته و استفاده از ظرفیت‌های نظام‌های کنترل اجتماعی غیر رسمی معتقد شد.

دخالت حکومت در مفاسد اخلاقی مردم باید با توجه به مصالح، در حد ضرورت و نه بیش از آنچه لازم است باشد و ضرورت را هم بایستی محدود به مفاسد گروهی و جمعی نمود، چراکه به عنوان مثال تعیین رنگ مانتو و نوع عینک آفتابی دخالت در سلیقه‌های شخصی افراد است که نه تنها چنین دخالتی آثار مثبتی ندارد، بلکه تأثیرهای ناخوشایند هم به جای خواهد گذارد، لیکن سیاست جنایی اتخاذی در قبال جرائم اخلاقی سازمان‌یافته برخلاف جرائم اخلاقی فردی می‌تواند سرکوبگر و سزاگرا باشد. با این حال بایستی توجه داشت که حق برخورداری از آزادی و امنیت شخصی و برخورداری از حمایت قانون در برابر مداخلات خودسرانه

نسبت به حریم شخصی، محل اقامت، شرافت و حیثیت که به تصویب نمایندگان جامعه جهانی در مجمع عمومی بزرگ‌ترین نهاد بین‌المللی نیز رسیده است، صرفاً استانداردهای کاغذی نیستند که هر فرد دارای قدرت و مسئولیتی آن را با تشخیص خود یا مجوز خلاف قانون پایمال کند و انتظار بازخواست نداشته باشد. از این رو دولت در تأمین امنیت اخلاقی بایستی سه اصل کلی را مد نظر قرار دهد:

۱- نباید برای دور کردن مردم از گناهان، به ویژه گناهایی که تنها به خود گناهکار آسیب می‌زنند، به دولت متوسل شد.
 ۲- نباید از دولت برای تأمین امنیت اخلاقی در جامعه استفاده نمود، مگر اینکه آشکارا رفتاری ضد اجتماعی بوده یا از نظر اجتماعی زیان‌آور باشد.

۳- دولت بایستی تنها در آن دسته از رفتارهای غیر اخلاقی دخالت نماید که به طور بالفعل یا بالقوه نسبت به دیگران زیان‌آور بوده یا دست کم حقوق اساسی دیگران را نقض نماید، لذا دولت در جرائم اخلاقی بدون بزه دیده نباید دخالت نماید.
 ۴- مداخله دولت در جهت حق بر امنیت، با توسل به ابزارهای جرم‌انگاری و کیفرگذاری در حوزه جرائم اخلاقی بایستی محدود به جرائم اخلاقی سازمان یافته، مفسد اخلاقی گروهی و رفتارهای مجرمانه مخل امنیت اخلاقی در سطح جامعه اسلامی گردد.

مشارکت نویسندگان

جمال بیگی تمامی مراحل پژوهش را به انجام رسانده و ضمن تأیید نسخه نهایی، مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته است.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسنده هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده است.

تأمین مالی

نویسنده اظهار می‌نماید که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

References

1. Omidi J. Critical evaluation of the plan to intensify the punishment for crimes of disturbing the psychological security of society. *Criminal Science News*. Tehran: Mizan Publications; 2013. Vol.1 p.45-56. [Persian]
2. Wolfendale J. Moral Security. *Journal of Political Philosophy*. 2017; 25(2): 238-255.
3. Kennett J, Wolfendale J. *Self-Control and Moral Security*. Oxford: Oxford University Publications; 2019. Vol.6 p.13.
4. McDonald M. *The Morality of Security: A Theory of Just Securitization*. Cambridge: Cambridge University Publications; 2020. Vol.34 p.2.
5. Floyd R. *The Morality of Security a Theory of Just Securitization*, Cambridge: Cambridge University Publications; 2019. Vol.1 p.4.
6. Burgess JP. *The Ethical Subject of Security Geopolitical Reason and the Threat against Europe*. London: Routledg Publications; 2022. Vol.1 p.7.
7. Pazarkad B. *History of Political Philosophy*, Vol 3, Tehran: Zavar Publications; 2002. Vol.13 p.9. [Persian]
8. Ahmad AA. *Right to Privacy*. Translated by Hossein Aghababaei and Reyhaneh Mousavi. *Criminal Science News*. Tehran: Mizan Publications; 2013. Vol.2 p.1239-1251. [Persian]
9. Ghadrdan Gharamaleki MH. *Freedom in Jurisprudence and its Limits*. Qom: Book Garden Publications; 2003. Vol.1 p.14. [Persian]
10. Najafi Aberandabadi AH. *on Security Studies*. Introduction to Rezvani S. *Humanitarian Risk Management*. Tehran: Mizan Publications; 2012. Vol.1 p.11-20. [Persian]
11. Abdolrahimi M, Etratdoost M, Barzegar MM. Moral security and the role of NAJA in creating it with emphasis on the statements of the Supreme Leader. *Quarterly Journal of Islamic Insight and Education*. 2020; 16(48): 113-149. [Persian]
12. Mashhadi A, Mohammadloo S. A comparative study of the concept and criteria of privacy; Customary and Cultural Approach. *Quarterly Journal of Comparative Law Research*. 2016; 20(2): 146-125. [Persian]
13. Yazdian Jafari J. Confrontation of individual and national security in crimes against security. *Quarterly Journal of Criminal Law Research*. 2016; 4(14): 81-59. [Persian]
14. Gharaiaigh Zandi D. The Ratio of Ethics and Security: A Possibility for Moral Security. *Quarterly Journal of Strategic Studies*. 2012; 50(4): 108-81. [Persian]
15. Aghababaei H. *the Realm of Security in Criminal Law*. Tehran: The Research Institute of Islamic Culture and Thought Publications; 2010. Vol.1 p.52. [Persian]
16. Aghababaei H. *Privacy in Islamic Criminal Law*. Tehran: The Research Institute of Islamic Culture and Thought Publications; 2017. Vol.1 p.13. [Persian]
17. Wright H. *Ethics and True Crime: Setting a Standard for the Genre*. Portland: Book Publishing Final Research Paper; 2020. Vol.1 p.51.
18. Polizzi D. *The Impossibility of Criminal Justice Ethics: Toward a Phenomenology of the Possible*. *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*. 2018; 63(1): 135-153.
19. Burke A, Lee-Koo K, McDonald M. *An Ethics of Global Security*. *Journal of Global Security Studies*. 2016; 1(1): 64-79.
20. Jones JA. *Ethical Considerations in Criminal Justice Research: Informed Consent and Confidentiality*. *Inquiries Journal*. 2012; 40(8): 1-2.
21. Kouchaki M. *Collective Security*. Master Thesis in Islamic Education and Political Science. Tehran: Imam Sadeq (AS) University; 1989. p.45. [Persian]
22. Shaarnejad AA. *Culture of Behavioral Sciences*. Tehran: Amir Kabir Publications; 1997. Vol.1 p.14. [Persian]
23. Al-Ragheb Al-Isfahani AA-H. *Al-Mufradat fi Gharib al-Quran*. Qom: Book Office Publications; 1994. Vol.2 p.234. [Persian]
24. Wiley J. *Moral Security*. *The Journal of Political Philosophy*. 2017; 25(2): 238-255.
25. Lazarus L. *The right to security, Philosophical Foundations of Human Rights*. Edited by Croft SR, Liao M, Renzo M. Oxford: Oxford University Publications; 2015. Vol.1 p.435.
26. Shue H. *Basic Rights: Subsistence, Affluence and U.S. Foreign Policy*. Princeton: Princeton University Publications; 1996. Vol.1 p.21.

27. Nussbaum M. Capabilities as fundamental entitlements: Sen and social justice. *Journal of Feminist Economics*. 2003; 9(1): 33-59.
28. Varurai A, Saadati R, Hashemi H. The Impact of Ethics on Criminalization and Decriminalization in the Islamic Criminal Law System of Iran. *Quarterly Journal of Criminal Law Research*. 2014; 3(8): 33-62. [Persian]
29. Memarzadeh G. Human Development Report 1994, United Nations Development Program. Tehran: Program and Budget Organization Publications; 1996. Vol.1 p.220. [Persian]
30. Namazi GH. Moral Crisis; Threat to National Security. *Journal of Security*. 2001; 9(10): 2-3. [Persian]
31. Hamzehpour A. Components of the theory of sustainable security in Islam. *Afagh Security Quarterly*. 2012; 1(14): 85-128. [Persian]
32. Imam Ali. *Nahj Al-Balagha*. Letter.53 Sermon.105, 131.
33. The Holy Quran. Al-Imran: 153; Noor: 55; Fatah: 4; Baqarah: 126-125, 193; Nahl: 112; Hajar: 46; Qalam: 9-8.
34. Jafari Langroudi MJ. *Legal Terminology* Tehran: Ganj-e Danesh Publications; 2013. Vol.1 p.11. [Persian]
35. Mahmoudi Janaki F. Criminal Protection of Ethics, Criminal Science. *Collection of Articles in Honor of Dr. Mohammad Ashouri*. Tehran: Samat Publications; 2004. Vol.1 p.764-799. [Persian]
36. Nourani N, Hamidieh B. Recognition of Liberalism. *Yas Strategy Quarterly*. 2005; 1(4): 103-128. [Persian]
37. Weisburd D. Ethical Practice and Evaluation of Interventions in Crime and Justice: The Moral Imperative for Randomized Trials. *Journal of Eval Rev*. 2003; 27(3): 336-354.
38. Conley JP, Wang P. Crime and ethics. *Journal of Urban Economics*. 2006; 60(1): 107-123.
39. Najafi Aberandabadi AH. *Lectures in Criminology (from Critical Criminology to Security Criminology)*. PhD in Criminal Law and Criminology. Tehran: Shahid Beheshti University, Faculty of Law; 2012-13. p.11. [Persian]
40. Shafizadeh Dizaji T. A Study of Dual Models of Criminal Justice Herbert Packer, Relying on the Evaluation of Iranian Criminal Justice in the Light of Those Models. Master Thesis in Criminal Law and Criminology. Tehran: Shahid Beheshti University, Faculty of Law; 2013. p.28. [Persian]
41. Shiie Ali A, Zare V, Zare M. The Position of Responsive Participatory Criminal Policy in the Stage of Criminal Prosecution in Iranian Law. *Quarterly Journal of Criminal Law and Criminology Studies*. 2015; 2(4): 287-310. [Persian]
42. Najafi Aberandabadi AH. Crime, Feeling of Insecurity and Control (Study of the French Committee for the Study of Violence and Crime and its Recommendations in the Field of Criminal Policy). *Journal of Justice*. 1998; 1(2): 43-84. [Persian]
43. Qapanchi H, Danesh Nari HR. Dual models of the criminal process of crime control and fair trial. *Quarterly Journal of Criminal Law Teachings*. 2012; 1(4): 167-184. [Persian]
44. Beigi J. *Child Victimization in Iranian Law*. Tehran: Mizan Publications; 2009. Vol.1 p.89. [Persian]
45. Nabi Golestani G. The necessity of decriminalization of deviations. *Specialized Journal of Theology and Law, Razavi University of Islamic Sciences*. 2005; 1(1): 3-6. [Persian]
46. Ardabili MA, Najafi Aberandabadi AH, Naqibzadeh A. Police and Public Security Roundtable, Part 1. *Security Quarterly*. 2000; 4(15): 6-16. [Persian]
47. Ardabili MA, Najafi Aberandabadi AH, Naqibzadeh A. Police and Public Security Roundtable, Part 2. *Security Quarterly*. 2000; 17(7): 3-6. [Persian]
48. Mahmoudi Janaki F. Security and Insecurity from the Perspective of Criminal Policy. *Quarterly Journal of Legal Perspectives*. 1997; 8(1): 168-196. [Persian]
49. Shokri R, Sirus Q. *Islamic Penal Code in the current legal system*. Tehran: Mohajer Publications; 2011. Vol.1 p.64. [Persian]
50. Hojjati SM, Bari M. *Islamic Penal Code in the current legal system*. Tehran: Covenant of Justice Publications; 2005. Vol.1 p.48. [Persian]
51. Habibzadeh MJ. *Punishment of Haram and Its Conflict with the Rule of Law in Criminal Law*. Qom: Tebyan Publications; 2008. Vol.1 p.89. [Persian]
52. Mahmoudi M, Babaei MA. Fundamentals of criminality of non-observance of religious hijab in Iranian criminal law. *Quarterly Journal of Criminal Law Research*. 2021; 11(1): 253-274. [Persian]

53. Behdad H. Critique and review of the moral security plan and deviant perceptions. Jomhuri Eslami Newspaper. 2007; p.2. [Persian]
54. Rahmdel M. Human Rights to Privacy. Journal of the Faculty of Law and Political Science University of Tehran. 2005; 1(3): 119-145. [Persian]
55. Kordovani P, Mottaqi J, Sadr Al-Ashrafi SM, Shamsavand A, Najafi Aberandabadi AH. Roundtable on People's Participation in Providing Public Security. Part 2. Security Quarterly. 2000; 20(4): 9-10. [Persian]
56. Asadi L. Iranian Legislative Criminal Discourse on the Right to Be Different in Coverage. Journal of Legal Excellence. 2006; 1(2): 1-9. [Persian]
57. Zahravi R, Ahmadzadeh R. The display of women in cyberspace; with a look at the teachings of Imami jurisprudence and Iranian law. Quarterly Journal of Women's Strategic Studies. 2015; 18(70): 199-237. [Persian]